



النَّاسُ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنَ الْحِسَابِ؛ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: إِنَّهُمْ لَفِي شُغْلٍ يَوْمَئِذٍ عَنِ الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ فَقَالَ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ ابْنَ آدَمَ أَجُوفًا وَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ. أَهْمُ أَشَدُّ شُغْلًا يَوْمَئِذٍ أَمْ مَنْ فِي النَّارِ؟ فَقَدِ اسْتَفَاتُوا وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَأِنْ يَسْتَعْثِبُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ»^٢

٢. كهف/ ٢٩.

٣. تفسیر نور الثقلین، شیخ عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، تصحیح و تعلیق، سید هاشم

مقدمه

مصرف، از مؤلفه‌های اساسی زندگی بشر است، و جدا کردن انسان از آن، کاری ناممکن است. پیوند انسان با مسئله مصرف تا آنجاست که حتی در روز رستاخیز نیز سخن از مصرف انسان است: «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيُنٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» قَالَ تُبَدَّلُ خُبْرَةٌ نَقِيَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

بایسته و لازم است؛ چرا که مصرف، یکی از شیوه‌های جایگزین ناپذیر برای پاسخگویی به نیازهای طبیعی و غریزی انسان است که بدون آن، حیات مادی و معنوی انسانها دستخوش آشفتگی و نابسامانی خواهد شد و معیشت انسان، لذت و لطف خود را از دست خواهد داد؛ اما نکته اینجاست که گاهی مصرف شکل طبیعی خودش را از دست داده، به جای آنکه به عنوان یک پدیده حیاتی در خدمت انسان باشد، انسان به خدمت او در می‌آید. بدین‌گونه وسیله به هدف تبدیل می‌شود و همه قوای مادی و معنوی انسان که باید با مصرف درست به اوج تکامل و تعالی برسند، بر اثر مصرف‌زدگی در سراسیمگی سقوط قرار می‌گیرد. همچنین زمینه انواع تباهیها و ناهنجاریها فراهم می‌آید، و سرانجام، این موهبت بزرگ - به تعبیر مقام معظم رهبری - به بلایی بزرگ تبدیل می‌شود:

«برای جامعه بلای بزرگی است که

میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد

زراره بن اعین گوید که از امام محمد باقر علیه السلام معنای این سخن خداوند را پرسیدم که فرمود: «روزی که زمین به زمینی دیگر مبدل شود» فرمود: «به نان پاکیزه‌ای تبدیل می‌شود که مردمان از آن می‌خورند تا از حساب فارغ شوند، گوینده‌ای به او گفت: «مردمان در آن روز گرفتارند و به خوردن و نوشیدن نمی‌توانند بیندیشند»

امام علیه السلام فرمود: «خداوند، فرزند آدم را میان تهی آفرید و ناگزیر باید بنخورد و بیاشامد. آیا اهل محشر گرفتارترند یا کسانی که در دوزخ به سر می‌برند؟ اهل دوزخ [نیز] آب می‌طلبند و خدا درباره ایشان می‌فرماید: "اگر آب بطلبند، به آنان آبی داده خواهد شد مانند مس گداخته که چهره‌ها را می‌سوزاند، و چه بد شرابی است."»

بی‌گمان مصرف، به خودی خود نه تنها پدیده‌ای ناپسند نیست که بسیار

به سوی اصلاح الگوی مصرف می‌دانم و امیدوارم که این عنوان - که اصلاح الگوی مصرف است - برای همه ما دستور العمل باشد و همه ما بتوانیم بر طبق این شعار مهم و حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجهی استفاده نماییم.^۲

در این نوشتار که به خواست خدا چند شماره را به خود اختصاص خواهد داد، از اصلاح الگوی مصرف و مباحث در خور توجهی در این باره سخن خواهیم گفت.

۱. آشنایی با فرهنگ مصرف

برای آنکه از هر کاری نتیجه‌ای درست گرفته شود، و از آن کار پیامدهای زیانباری متوجه شخص نشود، نخست باید با فرهنگ آن کار آشنا بود. مصرف نیز از پدیده‌هایی است که فرهنگ خاص خود را دارد، و عدم آشنایی با این فرهنگ می‌تواند به زیان و تباهی فرد و جامعه بینجامد.

شود و همه به بیش‌تر مصرف کردن، بیش‌تر خوردن، متنوع خوردن، متنوع پوشیدن، و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن تشویق بشوند.^۱

از اینجاست که ضرورت «اصلاح الگوی مصرف» آشکار می‌شود و اهمیت دغدغه مقام معظم رهبری در این باره و ارزشمندی اعلام سال ۱۳۸۸ خورشیدی به عنوان سال «حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف» از سوی ایشان، کاملاً آشکار می‌شود.

«ایشان در این باره می‌فرمایند: ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه اول، چه قوه مقننه، چه قوه مجریه و چه سایر مسئولین کشور، قوه قضائیه و غیر آنها، و اشخاص و شخصیتها در رتبه‌های مختلف اجتماعی و آحاد مردم از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. من این سال را سال حرکت مردم و مسئولین

۲. بخشی از پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸ خورشیدی.

۱. خطبه‌های عید فطر، ۱۵ آذر ۱۳۸۱.

میان‌روی در مصرف، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز از هدر دادن اموال، پرهیز از راکد نگه داشتن اموال و... اشاره شده است، همه در پی فرهنگ‌سازی برای مصرف‌اند. و مصرف درست، آن است که با توصیه‌های یاد شده هماهنگ باشد.

البته برای استقرار فرهنگ صحیح مصرفی، نیاز به زمان است؛ زیرا ایجاد و شکل‌گیری فرهنگ، متکی به گذشت زمان است. بنابراین بایسته است که افراد از کودکی در خانواده و محیط مدرسه، با زیانه‌های فرهنگ مصرفی، و سودمندی فرهنگ صرفه‌جویی، اهمیت و ارزش این حس برای بهبود وضع خود و اجتماع خود آشنا شوند. بسیاری از افراد جامعه ما به غلط می‌پندارند که همه مردمان کشورهای اروپایی و غربی، مصرف‌زده و اسرافکارند و به همین دلیل مقلدان آنها، اسراف و مصرف‌گرایی را مسئله‌ای طبیعی می‌دانند؛ در حالی که این وظیفه آگاهان جامعه و اروپا رفته‌های مُنصف است که حداقل این گونه افراد را به

گاهی مصرف شکل طبیعی خودش را از دست داده، به جای آنکه به عنوان یک پدیده حیاتی در خدمت انسان باشد، انسان به خدمت او در می‌آید. بدین گونه وسیله به هدف تبدیل می‌شود و همه قوای مادی و معنوی انسان که باید با مصرف درست به اوج تکامل و تعالی برسد، بر اثر مصرف‌زدگی در سرآشویی سقوط قرار می‌گیرد.

بخشی از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به فرهنگ‌سازی درباره مصرف و آموزش «درست مصرف کردن» اختصاص یافته است؛ آیات و اخباری که در آنها به

شرکت داشتم میهمان یکی از نمایندگان مجلس برلن بودیم. او که شخص متنفذ و تقریباً پردرآمدی بود با کمال سادگی از ما پذیرایی کرد، و از اینکه از ما مثل پذیراییهایی که قبلاً از او در ایران شده بود پذیرایی نمی‌کرد معذرت خواست. او با سربلندی برای ما تعریف می‌کرد که اگر مردم آلمان می‌خواستند در مصرف، اسراف کنند، هرگز به جایی که امروز هستند، نمی‌رسیدند.^۳

۲. اهتمام اسلام به اصلاح الگوی مصرف

اسلام، آیینی جامع است که هم نسبت به دنیای پیروانش اهتمام می‌ورزد و هم نسبت به آخرت آنان و بر این اساس از مسلمانان می‌خواهد که دنیا خواهی، آنان را از آخرت غافل نسازد، و آخرت طلبی نیز آنها را از دنیا باز ندارد؛ همان‌گونه که از امام باقر علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید:

فرهنگ مصرف مغرب زمین آشنا سازند، و آنان را از این نکته آگاه سازند که یکی از رازهای پیشرفت اروپا - دست کم در زمینه‌های مادی و دنیایی - پرهیز آنان از اسراف و مصرف زدگی بوده است.^۱

کم‌تر کسی است که به اروپا سفر کرده و در آن کشورها، علیرغم ثروت و مکننت، از بیزاری آنها نسبت به اسراف، آگاهی پیدا نکرده، و متوجه نشده است که چگونه آنها در مصرف برق، آب، غذا، سوخت و خیلی چیزهای دیگر جانب صرفه‌جویی را دارند و حتی اسراف را نوعی اهانت به خود و کشورشان می‌دانند.^۲

یک نویسنده ایرانی در این باره می‌نویسد: «شبی را در آلمان با یکی دو نفر از اعضای سمیناری که در آن

۱. پدیده شناسی فقر و توسعه، جمعی از نویسندگان، مقاله «تقش فرهنگ در توسعه»، علی احمد راسخ، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۴۱.

۲. رک: ایران یک کشور کشاورزی نیست باید صنعتی شود، ناصر معتمدی، ص ۸۹، به نقل از: پدیده‌شناسی فقر و توسعه، ج ۱، ص ۲۴۱.

۳. مجله تحقیقات اقتصادی، «اثرات مکاتب فکری بر رفتار اقتصادی زاینچا»، محمود توسلی، ش ۴۱، پاییز، ۱۳۶۸، ص ۲.

توصیه دائمی آموزه‌های قرآنی و روایی می‌شود، تا بر اثر رعایت این اصل، پیروان اسلام، هم از اصل لذت مصرف باز نمانند و هم از مصرف‌زدگی دور بمانند و در نتیجه بر اثر سامان دادن به مصرف خویش، خوشبختی دنیا و آخرت را در خویش گرد آورند. در حدیثی دلنشین از امام صادق علیه السلام در این باره می‌خوانیم:

«أَتَرَى اللّٰهَ أَغْطَى مَنْ أَغْطَى مِنْ كَرَامَتِهِ عَلَيْهِ؟ وَمَنْ مَنَعَ مَنْ مَنَعَ مِنْ هَوَانٍ بِهِ عَلَيْهِ؟ كَلَّا وَ لَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللّٰهِ، يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَذَائِعٌ، وَجَوْزٌ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا، وَ يَشْرَبُوا قَصْدًا، وَ يَلْبَسُوا قَصْدًا، وَ يَنْكِحُوا قَصْدًا، يَرْكَبُوا قَصْدًا، وَ يَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَرْمُوا بِهِ شَعَثَهُمْ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالًا وَ يَشْرَبُ حَلَالًا، وَ يَرْكَبُ حَلَالًا، وَ يَنْكِحُ حَلَالًا، وَ مَنْ غَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا - ثُمَّ قَالَ - لَا تُسْرِفُوا، إِنَّهُ لَا يُجِبُ الْمُسْرِفِينَ. أَتَرَى اللّٰهَ أَتَمَّنَ رَجُلًا عَلَى مَالٍ يَقُولُ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بِعَشْرَةِ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ

«لَيْسَ مِنْهَا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛^۱ کسی که دنیایش را برای آخرتش و آخرتش را به دنیایش وانهد از ما نیست.»

بر این اساس، اسلام از یک سو راه مصرف را برای انسانها باز می‌گذارد تا دنیایشان سامان پذیرد و زندگی به کامشان گوارا شود، واز سوی دیگر، کاملاً مراقب است که مسئله مصرف از جاده اعتدال و شرع خارج نشود، و بدین‌گونه آخرت آنها نیز آباد شود. و از آنجا که اصل مصرف با غریزه و طبیعت انسان همسو است و انسان به طور طبیعی و غریزی به مصرف گرایش دارد، دین مقدس اسلام درباره توصیه به مصرف، چندان نیازی نمی‌بیند؛ اما از آنجا که همواره لذت مصرف می‌تواند زمینه‌ساز انواع لغزشها، اسرافها و فخرفروشیها باشد، ضرورت اصلاح الگوی مصرف،

۱. وسائل الشریعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه

آل‌الیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶

ق، ج ۱۷، ص ۷۶.

مصرفان را دوست نمی‌دارد. آیا خیال می‌کنی که چون خدا به کسی مالی دهد و او را در آن امین بدانند، به وی این اجازه را می‌دهد که اسبی را به ده هزار درهم برای سوار شدن خود بخرد؛ در صورتی که اسبی به بهای بیست درهم برای او کافی باشد. و [خداوند در قرآن] فرمود: اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد.»

۳. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و دغدغه اصلاح الگوی مصرف

گسترش اسراف، مدگرایی و تجمل پرستی در کشور، باعث شد تا بزرگان جامعه؛ به ویژه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به شدت احساس خطر کنند و به مسئولان و مردم از فرو افتادن در شیب این ناهنجاریها هشدار دهند.

در این باره مقام معظم رهبری چه در قالب پیام نوروزی و چه به صورت سخنرانی، نکات ارزشمندی را بیان فرمود که بایسته است در اینجا به بخشی از این سخنان اشاره کنیم:

تُعْزِيهِ فَرَسٌ بِعِشْرِينَ دِرْهَمًا... قَالَ: لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. ۱

آیا چنان تصور می‌کنی که خداوند، کسی را که مالی داده به خاطر کرامتش بر او است و فرد محروم از آن را خوار شمرده است؟ هرگز! بلکه مال، مال خداست، و آن را نزد اشخاص به امانت می‌گذارد، و بر ایشان روا می‌دارد که از آن با میانه روی بخورند، و با میانه‌روی بنوشند، و با میانه‌روی بپوشند، و با میانه روی زناشویی کنند، و با میانه‌روی از مرکب استفاده کنند؛ و هر چه جز آن (مصرف اقتصادی) باشد، به فقرای مؤمنان دهند، و به نابسامانی زندگی ایشان سامان بخشند. پس هر کس چنین کند، خوردنی و نوشیدنی و سواری و مرکب و زناشویی او حلال است و هر کس، چنین نکند، بر او حرام خواهد بود.» سپس فرمود: «اسراف مکنید که خدا

۱. الحیة، محمد رضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش، ج ۴، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

در روایات اسلامی از انسانهایی که روح مصرف‌گرایی دارند، و همواره در پی پاسخ‌گویی به نیازهای کاذب و خواسته‌های نفسانی سیری ناپذیری‌اند، به عنوان کسانی یاد شده است که از نگاه مهرآمیز خداوند بی‌بهره‌اند.

«ما مردم مسرفی هستیم. ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسائل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین. کشوری که تولید کننده نفت است، وارد کننده فراورده‌های نفت - بنزین - است! این تعجب آور نیست!؟ هر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم؛ برای اینکه بخشی از جمعیت و ملت ما دلشان می‌خواهد

ریخت و پاش کنند! این درست است!؟ ما ملت، به عنوان یک عیب ملی به این نگاه کنیم. اسراف بد است؛ حتی در انفاق در راه خدا. خدای متعال به پیغمبرش می‌فرماید: «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ»؛ «دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی مکن تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.» در انفاق برای خدا هم اینجوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. این را ما باید به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم. قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا»؛ «و کسانی‌اند که چون انفاق می‌کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند.» یعنی اینها نه اسراف و زیاده‌روی می‌کنند، و نه تنگ می‌گیرند و با فشار بر خود زندگی می‌کنند؛ نه، اسلام این را هم توصیه نمی‌کند. به هر حال اینکه

۱. اسراف/۲۹.

۲. فرقان/۶۷.

متأسفانه ۸ برابر کشورهای پیشرفته است.^۲

«یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند. آنچه زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود.»^۳

«امروز دشمن، چشمش به نقطه حساس اقتصادی است تا بلکه بتواند این کشور را از لحاظ اقتصادی دچار اختلال کند. هر چه می‌تواند اختلال می‌کند و هر چه هم نمی‌تواند، در تبلیغاتش وانمود می‌کند که اختلال است. راه مقابله هم انضباط مالی و صرفه‌جویی و نگاه پرهیزگرایانه به مصرف‌گرایی است.»^۴

۲. مقام معظم رهبری، دیدار با اجتماع عظیم زائران حرم رضوی و مردم مشهد، ۱۳۸۸/۱/۱.

۳. مقام معظم رهبری، دیدار با مردم شیراز، ۸۷/۲/۱۱.

۴. مقام معظم رهبری، دیدار با گروهی از بانوان، ۱۳۷۱/۹/۲۵.

می‌بینید بعضی از فضولهای خارجی، دولتهای خارجی، دائم و دم به ساعت، چندسال است که ملت ما را تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم، و بارها هم تحریم کرده‌اند، به خاطر این است که چشم امیدشان به همین خصوصیت منفی ماست.»^۱

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در جایی دیگر فرمود:

«باید اعتراف کنیم که عاداتها، سنتها و روشهای غلط، زیاده‌روی در مصرف را به دنبال آورده، و نسبت میان تولید و مصرف را، به ضرر تولید بر هم زده است؛ به گونه‌ای که یک سوم نان تولیدی و حداقل یک پنجم آب مصرفی، که با آن همه مشکلات و دشواریها تهیه می‌شود عملاً به هدر می‌رود. متوسط مجموع انرژی مصرفی در ایران، پیش از ۲ برابر متوسط جهانی شده و شاخص شدت انرژی در کشور ما یعنی نسبت انرژی مصرف شده به کالای تولید شده

۱. مقام معظم رهبری، خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۶/۷/۲۱.

در حقیقت، این نیازهای کاذب و غیر ضروری انسانهاست که آنها را به سوی انواع اسرافها و زیاده‌خواهیها سوق می‌دهد، و از آنها انسانهایی مصرف‌زده می‌سازد؛ نه نیازهای طبیعی و حقیقی آنها.

به عبارت دیگر، وقتی در جامعه‌ای، انواع کالاها، لوکس و اشیای گران‌قیمت تبلیغ شود، بسیاری از آدمها تحت تأثیر این تبلیغات قرار می‌گیرند و در آنها نوعی نیاز کاذب و اشتهای دروغین پدید می‌آید، و در نتیجه بدون آنکه نیازی بدانها داشته باشند به خرید آنها اقدام می‌کنند، و بدین گونه، راه برای مصرف هر چه بیش‌تر، هموار می‌شود؛ این در حالی است که:

«از مباحث اساسی اسلام در اخلاق مصرف، نفی نیازهای کاذب و غیر واقعی است که خود، از تمایزات اساسی میان مکتب اقتصادی اسلام با نظام سرمایه‌داری به شمار می‌رود. از دیدگاه اسلام، نیاز مادی آدمی، باید در

گسترش اسراف، مدگرایی و تجمل پرستی در کشور، باعث شد تا بزرگان جامعه؛ به ویژه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به شدت احساس خطر کنند و به مسئولان و مردم از فرو افتادن در شیب این ناهنجاریها هشدار دهند.

۳. مصرف بر اساس نیاز حقیقی، نه بر پایه نیاز کاذب و زیاده‌خواهی با تأملی دقیق در دو واژه مصرف و مصرف زدگی، درمی‌یابیم که آنچه ایندو را از هم جدا کرده و وجه تمایز بین ایندو می‌شود، آن است که اساس «مصرف» بر پایه نیاز حقیقی و طبیعی انسانهاست؛ در حالی که مصرف‌گرایی و مصرف زدگی در نیازهای کاذب و زیاده‌خواهیهای انسان، ریشه دارد.

طرف، مدام بدود برای پول در آوردن، و از طرف دیگر به سرعت خرج کند برای اینکه چرخهای ماشینهای اینها بگردد.»^۲

«از یاد نبریم که نیازهای کاذب، آدمی را به مصرف گرایی و تجملات می‌کشاند و به امیال نفسانی وی دامن می‌زند، و با گرایشهای متعالی اسلام همانند عدالت‌خواهی و نوع دوستی و ارزشهای اصیلی همچون زهد و تقوا در تضاد است. اولیای الهی از یک سو با ارائه الگوی عملی مصرف که مبتنی بر ارزشهای دینی است، به تبلیغ مصرف اسلامی می‌پرداخته‌اند، و با زهد و ساده‌زیستی، هر گونه مصرف گرایی و تجمل‌پرستی را مردود دانسته‌اند و از سوی دیگر، با تعدیل و کنترل تبلیغات، هر گونه اقدام مسلمانان را که نشان از مصرف گرایی داشت، نکوهیده‌اند.»^۳

حدّ متعارف تأمین گردد؛ ولی مصارف بیهوده و کاذب به هیچ روی تأیید نشده است.»^۱

به تعبیر استاد شهید مطهری علیه السلام: «... آیا این همه محصولات ماشینی که در دنیا تولید می‌شود بر اساس احتیاج بشر است؟ ابدأ. هیچ با احتیاجات بشر هماهنگ نیست. فقط حرصها و آزهاست که اینها را به این شکل درآورده است. مصرف چطور؟ امروز هزاران نیرنگ در دنیا به کار می‌برند. برای اینکه مصرفهای مصنوعی بسازند. تمام وسایل ارتباط جمعی دنیا در خدمت سرمایه‌دارهای بزرگ است برای ایجاد اشتباهی کاذب در مصرف کردن؛ یعنی ماشینها پیوسته دارند تولید می‌کنند؛ ولی چون بشر این مقدار نیاز ندارد، آنها با وسایل مختلف، با موسیقی، با جاذبه‌های زنان، با فیلمها، با تلویزیونها و وسایل دیگر می‌خواهند کالاهای تولید شده را به خورد بشر بدهند، که بشر از یک

۲. فلسفه اخلاق، شهید مطهری، صدرا، تهران، چاپ

بیستم، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۷.

۳. اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث،

ص ۲۷۳.

۱. اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، جواد

ایروانی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد،

ص ۳۱۲.

و با مسأله‌شان، آن را توجیه کند؛ بی‌آنکه در واقع، نیازی بدان داشته باشد. رعایت چنین شأنی هیچ مدرکی و دلیلی ندارد؛ چرا که آیات و روایات متعدد و سیره رسول خدا ﷺ و معصومان علیهم‌السلام شأنهای اعتباری را که برخی افراد یا گروهها، خاستگاه امتیازاتی ویژه برای خود تلقی کرده‌اند، پوچ و بی‌اساس معرفی کرده‌اند. بنابراین، موقعیت اجتماعی، در صورتی که نیازی واقعی به استفاده از برخی امکانات را ایجاد نکند، نه تنها توجیه‌گر تجمل‌گرایی نیست، که مسئولیت مضاعفی در لزوم زهد و ساده‌زیستی را نیز ایجاد می‌کند.^۲

۵. اعتدال و میانه‌روی در مصرف

توصیه‌های فراوان آموزه‌های دینی به زهد و قناعت و پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی، باعث شده است تا برخی کسانی که آگاهی همه‌جانبه از دین مقدس اسلام ندارند، در دامن تفریط بیفتند و زندگی را بر خویش

در روایات اسلامی از انسانهایی که روح مصرف‌گرایی دارند، و همواره در پی پاسخ‌گویی به نیازهای کاذب و خواسته‌های نفسانی سیری ناپذیری‌اند، به عنوان کسانی یاد شده است که از نگاه مهربان‌خداوند بی‌بهره‌اند.

در حدیثی زیبا از رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌خوانیم: «مَنْ أَكَلَ مَا يَشْتَهِي، وَ لَبَسَ مَا يَشْتَهِي، وَ رَكِبَ مَا يَشْتَهِي، لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْزَعَ أَوْ يَشْرِكْ؛^۱ هر کس هر چه [دلش] خواست بخورد، هر چه دوست داشت بپوشد و هر چه از مرکبها [نظرش را گرفت] سوار شود، خداوند [با نظر لطف‌آمیز] به او ننگرد، تا او را مرگ فرا رسد یا آن کارها را وانهد.»

همچنین بعضی وقتها شخص به دلیل مقام و موقعیت اجتماعی خود یا انتساب به فردی صاحب‌مقام، تلاش می‌کند خود را نیازمند مصرف کالاهای گران‌قیمت و تجملاتی بداند،

۱. تحف العقول، ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی، ترجمه و تحقیق: صادق حسن‌زاده، آل علی، قم، ص ۶۳.

۲. اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۲۷۴ و ۲۷۵.

بر او گشایش دهد، او بر [زندگی] خود گشایش دهد، و زمانی که خداوند، بر او تنگ گیرد، او نیز [بر خود] سخت گیرد.»

مرحوم شیخ طبرسی رحمته الله علیه ذیل آیه شریفه «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً...»^۲ حکایتی این گونه می آورد که زنی از بینوایان، فرزندش را به حضور پیامبر فرستاد و جامه ای که بدان نیاز داشت از آن بزرگوار طلب کرد. آن حضرت، بزرگوارانه، جامه خود را به آن پسر، انفاق کرد، و بر اثر این ایشار و فداکاری در خانه ماند و نتوانست برای نماز به مسجد بیاید؛ زیرا جامه دیگری نداشت. آن گاه بود که این آیه شریفه فرود آمد و حضرت و همه پیروانش را به رعایت اعتدال در همه کارها از جمله انفاق در راه خدا سفارش کرد.»^۳

۲. اسراء/ ۲۹.

۳. تفسیر مجمع البیان، ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، تحقیق و نگارش: علی کرمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش، ج ۸، ص ۱۱۶.

سخت گیرند، و خود را بدون هیچ منع شرعی و عرفی، از بسیاری از نعمتهای خداوند محروم دارند؛ اما همان گونه که افراط در مصرف و اسراف و ریخت و پاش، با روح اسلام ناسازگار است، اسلام، تفریط و کوتاهی در مصرف را نیز تأیید نمی کند.

اسلام، همان گونه که در همه ابعاد زندگی انسانها به میانه روی توصیه کرده است، درباره مصرف نعمت حلال خداوند نیز به اعتدال توصیه کرده و از افراط و تفریط در این باره باز داشته است. در حدیثی دلنشین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می خوانیم:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَذَ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَدْبًا حَسَنًا؛ إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ وَسَّعَ عَلَى نَفْسِهِ، وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ؛^۱ به راستی مؤمن، ادبی نیک از خداوند متعال آموخته است: هرگاه خدا [روزی را]

۱. معرفه علوم الحدیث، محمد بن عبدالله نیشابوری، ص ۳۸، به نقل از: اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۲۷۷.

اساس «مصرف» بر پایه نیاز حقیقی و طبیعی انسانهاست؛ در حالی که مصرف‌گرایی و مصرف زدگی در نیازهای کاذب و زیاده‌خواهیهای انسان، ریشه دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيْسَ فِيمَا
أَصْلَحَ الْبَدَنَ إِسْرَافٌ إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا
أَسَدَ الْمَالِ وَ أَضَرَّ بِالْبَدَنِ قُلْتُ فَمَا
الْإِقْتَارُ قَالَ أَكْلُ الْخُبْزِ وَالْمِلْحِ وَ أَنْتَ
تَقْدِرُ عَلَيَّ غَيْرِهِ قُلْتُ فَمَا الْقَصْدُ قَالَ
الْخُبْزُ وَاللَّحْمُ وَاللَّبَنُ وَالْخَلُّ وَالسَّمْنُ
مَرَّةً هَذَا وَ مَرَّةً هَذَا^۱ در [مصرف] آنچه
برای بدن مفید است اسراف نیست؛
بلکه اسراف، در جایی است که مال را
تباه سازد و به بدن زیان رساند. [راوی
گوید:] گفتم: پس سختگیری چیست؟
فرمود: خوردن نان و نمک، در حالی

که توان مصرف غیر آن را داری. گفتم:
میان‌روی چیست؟ فرمود: نان و
گوشت و شیر و سرکه و روغن که
گاهی این و گاهی آن را بخوری.»

یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام
می‌گوید: «گاهی امام، ما را مهمان
می‌کرد و نان روغنی و غذای لذیذ
«خبیص» [که با روغن و خرما درست
می‌شد] برای ما می‌آورد. روزی یکی
از حاضران عرض کرد: کاش به
گونه‌ای معتدل برای ما غذا آماده
می‌کردی. این غذا اعیانی است! امام
فرمود: «إِنَّمَا تَتَدَبَّرُ بِأَمْرِ اللَّهِ إِذَا وَسَّعَ
عَلَيْنَا وَسَعْنَا وَ إِذَا قَتَّرَ قَتَرْنَا؛ ما بر اساس
امر و تدبیر خدا، امور را تدبیر می‌کنیم.
اگر خداوند بر ما وسعت بخشید، ما
نیز وسعت می‌بخشیم و هر گاه تنگ
گرفت ما نیز تنگ می‌گیریم.»^۲
ادامه دارد...

۲. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل
البیته علیهم السلام لإحياء التراث، قم، چاپ سوم، ۱۳۱۴
ق، ج ۲۲، ص ۲۹۶.

۱. کافی، ثقة الاسلام کلینی، اسلامیه، تهران، چاپ
دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۴، ص ۵۳.